

وَصَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعِ مُحْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ نَفْعَةٍ تَشْهَدُ لِلصَّلَاةِ عَلَيْهَا قَوْمَ الْقِيَامَةِ

در مساجد مختلفی نماز بخوانید!

روز قیامت، هر مکانی به طور ویژه برای نمازگزارش شهادت می‌دهد.

راویان مورد اعتماد از مولا امام صادق علیه السلام نقل کردند: بحار، ج ۸۰: ص ۳۸۴

### همسنگر

انتقادهای، پیشنهادهای، ایده‌ها، جملات و خلاصه هر چیزی را که رنگ و بوی مسجد دارد برای ما ارسال کنید تا همین جا و در همین ستون منتشرش کنیم.

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۵۰۱۶۰۱۷۰

۰۹۳۷... ۲۶۴۲

با سلام و تشکر از نشریه سنگر محله. لطفا بفرمایید این نشریه برای چه شخص حقیقی یا حقوقی است؟

**سنگر محله:** با سلام خدمت شما. همانطور که در شناسنامه درج شده این نشریه به کوشش کانون تربیت و مسجد مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی و همکاران محلی آن تهیه می‌شود.

نظرات ثبت شده در [sangaremahalle.ir](http://sangaremahalle.ir)

محمد برزین

سلام

سرمقاله فوق العاده عالی بود ....

بخصوص نتیجه گیری ...

بهنام

خدا به شما خیر دهد.

ان شاء الله این کارها ادامه یابد و شاهد به روز رسانی باشیم.

### بی واسطه

مطالبتان را برای ما ارسال کنید تا بی‌واسطه در این ستون چاپ شود. این شماره مهمان یکی از بسیجیان مسجد علی بن موسی الرضا علیه السلام در محله شهدا هستیم.

آقای علی هاشمی این شعر را در حرم حضرت رضاعلیه السلام سروده اند:

وقتی که غم میگیره راه گلومو بد جور

خدا خدا میکنم زیارتت بشه جور

گنبدو که مبینم دم بهاری میشه

شکوفه های دم امام رضایی میشه

سحر های مشهودو عالم به خود ندیده

امام به این رءوفی عالم به خود ندیده

پنجره فولاد تو حال و هوایی داره

میرم دخیل مبیندم عجب جوابی داره

دخیل اسمت میشم مرغ دم هوایی

تذکره ی زیارت برات کربلایی

برای من حریمت یه تیکه از بهشته

خادمای حریمت همه مئه فرشته

من که شمارو دارم غمی به دل ندارم

چون که روز قیامت همچو شمایی دارم

### احکام

وضوی شیطانی!

وضویش نیم ساعت طول می‌کشد! چنان دقتی به خرج می‌دهد که نماز جماعت از کفش برود. اگر وضو آن قدر طول بکشد که اعضای قبلی خشک شوند، وضو باطل است. در ضمن در روایت وسواس در وضو عملی از شیطان شمرده شده است. (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۹۹)

مطالب نشریه را در تارغای

[SangareMahalle.ir](http://SangareMahalle.ir)

دنبال کنید. با ما در ارتباط باشید!

### نظر سنجی

به نظر شما سنگر محله باید به چه محورهایی بیشتر پردازد؟

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۵۰۱۶۰۱۷۰

پاسخ نظرسنجی هفته گذشته (امسال چند نفر از آشنایان شما به زیارت اربعین مشرف شده اند؟):

۰۹۱۲... ۲۷۵۸

سلام و خدا قوت

امسال بیش از ۲۰ نفر از آشنایان ما قصد رفتن دارند، امامکنه همشون نتونن ویزا بگیرن! مهم نیت اونهاست که خدا قبول میکنه

۰۹۳۵... ۲۵۸۹

راستش نمیتونم دقیقاً بشمارم. فقط هرکی رو میبینم داره زائر میشه. و طبق معمول من بی سر و پا جا ماندم...

### مناسبت‌ها

• دوشنبه ۱۶ دی / ۴ ربیع الاول

• روز شهدای دانشجوی \* شهادت حماسی شهدای هویزه (شهید علم الهدی و یارانش) (۱۳۵۹ ش)

• جمعه ۲۰ دی / ۸ ربیع الاول

• شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) در سن ۲۸ سالگی (۲۶۰ ق)

• دوشنبه ۲۳ دی / ۱۱ ربیع الاول

• درگذشت آیت الله مجتهدی تهرانی (۱۳۸۶ ش)

زیر نعل‌ها همچو ارباب

راننده لودر تا بیل را در زمین فرو کرد ناگهان لباس فرم حسین مشخص شد. حسین روز عملیات تنها پاسداری بود که لباس فرم پوشیده بود. قلبم داشت از دهانم در می‌آمد. خیالم راحت شد لاقول جسدی از حسین باقی مانده است! به راننده گفتم: برو عقب. خاک‌ها را با دست کنار زد. فانسقه خاکی دور کمر شهید مشخص شد. با کمال تعجب دیدم آن قران همیشگی که همراه سید حسین بود، زیر خاک است. قرآنی با امضای امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای. روی سینه حسین هنوز عکس کوچک امام و آرم سپاه نشسته بود.

خاک را کنار زد. اما دیدم بر خلاف اجساد دیگر که استخوان‌هایشان سالم بود، جمجمه حسین خرد شده! تمام استخوان‌های تنش متلاشی شده بود. وقتی این صحنه را دیدم ناخودآگاه یاد صحنه کربلا افتادم و اسب‌هایی که جنازه شهدا را زیر پا له کرده بودند!

(یونس شریفی،

همرزم و دوست

شهید علم الهدی)



عبدالرحمن شهبازی  
مدیر اجرایی نشریه سنگر محله

# سنگر محله

دو هفته نامه تربیتی، مسجدی | شماره اول (۵+ پیش شماره) | نیمه دوم دی

به کوشش کانون تربیت و مسجد مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی و حوزه ۲۹۹ حاج احمد متوسلین

تحریریه: همه همسنگرهای مسجدی

برای دریافت نسخه پی‌دی‌اف نشریه به تارغای نشریه مراجعه کنید:

[SangareMahalle.ir](http://SangareMahalle.ir)

با ارسال اخبار، تصاویر و پیامک، حضور مسجد خود را در نشریه پر رنگ‌تر کنید.

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۵۰۱۶۰۱۷۰

[sangar.shohada@chmail.ir](mailto:sangar.shohada@chmail.ir)



امام روح الله:  
مساجد سنگرند  
سنگرها را حفظ کنید...

[SangareMahalle.ir](http://SangareMahalle.ir)

# سنگر محله

دو هفته نامه تربیتی، مسجدی | شماره یک (۵+ پیش شماره) | نیمه دوم دی ۱۳۹۲ | هزینه چاپ: ۲۰۰ تومان (اختیاری)

### سرمقاله

فراخوانی برای سنگر محله

## هر که دارد سر همراهی ما

## بسم الله!

• محمدحسین شاه‌آبادی

«ما می‌توانیم» آستین‌ها را بالا بزنیم و اصلاح را از محله خودمان آغاز کنیم. چون می‌خواهیم بگویم می‌شود همه مشکلات را حل کرد، اگر همه بخواهند...



اگر بلندگویی

جلوی هر کدامان

بگذارند، می‌توانیم

ساعت‌ها از اشکالات خانواده

و محله و شهر و کشور و دنیایمان بگویم

و ناله‌ها بکنیم. حتی بعضی‌هایمان خیلی خوب

راه‌حل می‌دهیم. مثلاً فلانی باید این کار را بکند تا

اقتصاد حل شود و دیگری فلان کار را نکند تا بحران

فرهنگی ایجاد نشود.

اما یکی نیست بگوید چرا از خودمان شروع

می‌کنیم؟ گویند روی سنگ قبر کشیشی نوشته بود:



همه بخواهند،

نه گران‌فروشی خواهیم داشت نه

بدحجابی و بدلباسی؛ نه آلودگی دود و ترافیک خواهیم

داشت نه آلودگی موش و زباله‌دانی؛ نه معضل کسب و

اقتصاد خواهیم داشت، نه معضل فرهنگ و ماهواره...

البته اگر همه بخواهند!

حالا- ان‌شاءالله- از این

شماره یک آغاز مقدس خواهیم

داشت. آغازی که همه سنگرها

را فعال کند و همه را در

خوب‌نوشتن و خوب‌پخش

کردن و خوب‌خوانده‌شدن سنگر محله تشویق نماید.

اصلاً کار باید به جایی برسد که هر شماره از سنگر محله

را یک گروه از محلی‌ها بنویسند تا معلوم شود که همه

ما می‌خواهیم در ساختن محله خودمان کاری کنیم. پس

هر کس که می‌خواهد در این جهاد کاری کند، عکسی

ببندازد، یا متنی بنویسد، یا حرفی بزند... بسم‌الله!

«ما می‌توانیم» آستین‌ها را بالا بزنیم و اصلاح را از محله خودمان آغاز کنیم. چون می‌خواهیم بگویم می‌شود همه مشکلات را حل کرد، اگر همه بخواهند...

در کودکی خواستم دنیا را

تغییر دهم، نشد؛ در نوجوانی

خواستم کشورم را تغییر دهم،

نشد؛ در جوانی خواستم

شهرم را تغییر دهم، نشد؛ در

بزرگسالی خواستم محله‌ام

را تغییر دهم، نشد؛ در پیری خواستم خانواده‌ام

را تغییر دهم، نشد... دم مرگ فهمیدم

اگر از همان اول خودم را تغییر

کشور و دنیا را می‌توانستم تغییر دهم...

حالا نوبت من و توست. ما می‌خواهیم از

خودمان شروع کنیم؛ از خود، خانواده و محله

خودمان!

پیش‌شماره‌های سنگر محله نشان داد که



داده بودم،

خانواده و محله و شهر و



### یادیاران

#### صندلی باوفا

از همان کودکی بارها شنیده بود که صندلی وفا ندارد. بیست و دو سالش نمی‌شد که یک صندلی قسمت او شد. او، حالا دقیقاً ۲۷ سال است که با آن صندلی اخت شده است.

گویا این بار آن قانون همیشگی می‌خواهد

نقض شود و این صندلی چرخ‌دار تا روز

شهادتش با او بماند...



### نکته

#### قدمهائیتان را منظم کنید

زیاد پیش آمده که وارد مسجد شده‌ایم و کفش‌های نمازگزاران جلوی ورودی مسجد رها شده و بدون هیچ نظم و ترتیبی، روی هم‌دیگر افتاده اند و سایر نمازگزاران هم مجبورند پا روی کفش‌ها بگذارند و وارد مسجد شوند. حالا فکرش را بکنید فردی مانند امام خمینی (ره) با چنین صحنه‌ای مواجه شده باشد، به نظر شما چه اقدامی کرده‌اند؟ ایشان حاضر نشدند پا بر روی کفش‌ها بگذارند و وارد مسجد شوند!

نظم را از درآوردن کفش‌هایتان به مسجد هدیه کنید.





## هدایت گری باید از مسجد شروع شود

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین رتوفی، امام جماعت مسجد علی بن موسی الرضا (علیه السلام)



اشاره: این اولین باری است که به خانه یک امام جماعت می‌رویم برای مصاحبه. مصاحبه‌ای گرم و صمیمی که با چاشنی جای و سوهان خیلی شیرین شده بود...

**سنگر محله:** حاج آقا چرا به مساجد می‌گویید سنگر؟

سنگر وسیله حفظ انسان‌ها در مقابل دشمن است. مسجد سنگر است چون که می‌تواند انسان‌ها را از شبهات اخلاقی و اعتقادی حفظ کند.

**سنگر محله:** یعنی باید بگوییم «سنگر هدایت»؟

بله، البته هدایت بشر، همه‌اش توسط انبیا بوده است. هدایت الی الحق! ما غیر از انبیا هادی نداریم. نه دانشمند، نه دانشگاه، عقل هم نمی‌تواند همه چیز را بفهمد. امام جماعت هم چون لباس پیامبر دارد و راه پیامبر را می‌خواهد برود و حلال و حرام‌ها را بیان کند؛ می‌تواند هادی باشد. بنابراین هدایت‌گری باید از مسجد شروع شود.

**سنگر محله:** حاج آقا چگونه یک مسجد از مسجد دیگر سنگر تر؟! می‌شود؟

اولین عامل بنیان مسجد است. بنیان مسجد باید بر اساس تقوی باشد. از مال پاک و حلال استفاده شود. عامل دوم امام جماعت و هیئت امنا و مامومین اطراف امام جماعت هستند. همه می‌توانند خیلی موثر باشند.

**سنگر محله:** نقش فعالان مسجد، مخصوصاً بسیج را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسیج چون نسل جوان است، می‌تواند خیلی موفق باشد. من آرزویم این است که کل مسجد دست بسیج بیفتد. اما بسیجی‌هایی که اهل مسجد و نماز باشند، متأسفانه الان این طور نیست.

**سنگر محله:** علتش چیست؟

ملاک‌های اصلی بسیج از دست رفته؛ رتبه‌های کاذب جایش را گرفته است. بیشتر دلشان می‌خواهد فرمانده باشند؛ در حالی که بسیج یعنی بی‌رتبه و مقام.

**سنگر محله:** مثال می‌زنید؟

مثلاً به یکی از بچه‌ها می‌گویم برو فلان کاغذ را از دیوار جدا کن؛ می‌گوید کار من نیست، کار واحد فلان است! داخل پراکنش بگویم اگر به من بگویند توالی‌ها را بشوی، می‌شویم اما الان به بعضی از این بچه‌ها بگویم، اصلاً حاضر نیستند!

**سنگر محله:** حالا که مثال زدید، می‌بینم خود ما سنگر محلی‌ها هم بعضی از این ایرادها را داریم.

راه حلش چیست؟ خودسازی. اگر خودسازی نباشد همین می‌شود.

**سنگر محله:** حاج آقا ارتباط شما با بسیجی‌ها چطور است؟

من عاشق بسیجی‌ها هستم. ولی چون این‌ها فرمانده هستند، ما را تحویل نمی‌گیرند! من عضو کوچک بسیج هستم.

**سنگر محله:** حاج آقا جنبه‌های مثبت و منفی مسجد شما چیست؟

اصل مسجد ما بر پاکی است. کلنگ مسجد با تقوای آقاسید احمد خونساری و علامه امینی زده شده است. تاریخ این مسجد به دستور علامه امینی به صورت شعر روی دیوار آن نوشته شده است. بیش از ۴۵ سال قدمت دارد این مسجد.

**سنگر محله:** دیگر چه؟

وجود چهره‌های نورانی. مثل آیت‌الله ضیاء‌آبادی و مرحوم آیت‌الله رووفی و خیلی از بزرگان دیگر.

**سنگر محله:** نقطه منفی چه؟

وجود سلیقه‌هایی که با شرایط روز نمی‌خواند.

**سنگر محله:** حاج آقا برای مسجد چقدر وقت می‌گذارید؟

قبلاً وقت زیادی برای فکر و طرح می‌گذاشتم. ولی چون اکثر طرح‌ها عمل نشد، خیلی وقت نمی‌گذارم. طرح‌های من مبتنی بر جوانان بود، ولی متأسفانه بودجه دست جوانان نیست.

**سنگر محله:** برای محل چه برنامه‌ای دارید؟

از قبل برنامه‌های زیادی داشتیم. مثل دیدن از خانواده شهدا؛ دیدن از خانواده افرادی که سال‌ها فعال بودند و حالا زمین‌گیر شدند؛ بازدید از مدارس محل و جایزه به بچه‌های موفق؛ حتی بچه‌هایی که به دنیا می‌آیند، خودمان می‌رویم منزلشان و اذان و اقامه می‌گوییم... اما حیف که بودجه‌های مسجد در اختیار امام جماعت نیست.

**سنگر محله:** حاج آقا شما انتقادپذیر هستید؟

خیلی دوست دارم. بهترین دوست انسان کسی است که عیب او را بگوید. البته نفس می‌گوید قبول نکن، ولی من تلاشم این است که بپذیرم.

**سنگر محله:** یک توصیه برای سنگر محله؟

در عصر کامپیوتر، نشریه باید خیلی جذاب و شیرین باشد. نشریه شما خیلی ریز است. من با این که عینکم را عوض کردم، ولی باز هم نمی‌توانم آن را بخوانم!

**سنگر محله:** و توصیه آخر هم برای همه مخاطبین سنگر؟

دنبال علم باشید تا مصداق آیه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» نباشید. نه این که اصلاً دنبال علم نباشید، بلکه هم عالم باشید و هم عمل کنید. منظور از علم، علم حلال و حرام دین است، در درجه اول.



## قرآن

که فقط آهنگش را دوست داری و نکته‌های علمی اش را در کلاس های تفسیر بازگو می‌کنی انتظار داری که انسان‌ساز و جامعه‌ساز باشد و دوست را عزیز و دشمن را ذلیل کند؟ هیئات! مگر می‌توان از مسیر انحرافی به آرمان اصلی رسید؟ پس واقعاً این قرآن دیگر معجزه نیست!

معجزه قرآن نه در مسائل علمی است و نه در مسخ کردن اهانت‌کنندگان، معجزه قرآن در هدفش یعنی «هدایت» است. حتی این که می‌گویند قرآن از جنس اندیشه است و هدفش را در همان باید جستجو کرد، درست نیست؛ زیرا هدایت قرآنی همه اندیشه‌ها، بینش‌ها و گرایش‌ها و رفتارها را شامل می‌شود و آن کس را که دل بدهد، به راه می‌آورد و به مقصد می‌رساند.

اما چه کنیم که همه مشکل در این «دل ندادن» است...

### قرآنی که دیگر معجزه نیست!

کافی است کلمه «اعجاز قرآن» را در گوگل جستجو کنیم تا بفهمیم از شرق تا غرب عالم معجزه قرآن را در چه چیز می‌دانند؟ بعد از اعجاز ادبی، یا درباره مباحث علمی نوشته‌اند، یا کسانی را که به قرآن بی احترامی کرده‌اند و مسخ شده‌اند، گزارش نموده‌اند. حتی هیچ خبری از کسانی که با قرآن شفاء پیدا کرده‌اند، نیست. درحالی که نه اعجاز علمی ادعای قرآن بوده است و نه مسخ شدن توهین‌کنندگان، حداقل یک آیه «و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» وجود داشت که آن را هم کسی بها نداد. انگار این قرآن دیگر معجزه نیست!

وقتی هدف گم شد، راه هم بی‌راهه می‌شود و به جای آب، سراها پدیدمی‌آیند. حالا تو از قرآنی

### یادداشت

## بر در دُکان شیطان

داستان ردای عجب!



دیروز به طور اتفاقی از جلوی دُکان شیطان رد شدم. فریب می‌فروخت. مردم دورش جمع شده بودند و هیاهو می‌کردند. اوضاعی بود که نگو و نپرس. هر کسی چیزی می‌خرید و در عوض چیزی می‌داد.

یکی قسمتی از عقلش را در دست گرفته بود و موسیقی جدید می‌خواست. شاگرد مغازه پیشنهاد کرد کمی شراب هم بخرد و در عوض تمام عقلش را بفروشد.

دختر بیچاره‌ای، حیایش را فروخت تا قسمتی از قلب پسری را از شیطان بخرد که قبلاً همان پسر به شیطان داده بود.

آن دیگری با دهان خون‌آلود آمده بود و گوشت می‌خواست. گوشت برادر مؤمنش را تا امشب گرسنه نخواست!

مردی سیاه‌رو سعادتش را آورده بود برای فروش تا تکه‌ای مال حرام بر سر سفره زن و بچه‌اش بگذارد.

پسر نوجوانی اما آن گوشه تنها و زخمی ایستاده بود و به زنانی می‌نگریست که برای خرید ذره‌ای توجه ایمانشان را به حراج گذاشته بودند. شاگرد شیطان تیرهایش را به قلب پسر می‌زد.

دیگر داشت حام بد می‌شد. عصبانی بودم. سرش داد زد که ای نامرد! این چه کاریست که با مردم می‌کنی؟! اما انگار کسی فریاد مرا نشنید. همه مشغول کار خودشان بودند. ناگاه شیطان رویش را برگرداند و گفت: من کسی را مجبور نکرده‌ام، اینها خودشان با پای خودشان آمده‌اند به دُکان من. گناهشان پای خودشان است ولی من از پروردگار جهانیان می‌ترسم! تا آدم جوابش را بدهم گفت: البته تو با این‌ها فرق داری! این‌ها بیچاره‌اند و ساده. اما تو مؤمن و زیرکی. سرت کلاه نمی‌رود.

حرف‌هایش آرامم می‌کرد. با خود گفتم راست می‌گوید این‌ها احمقند که گول شیطان را می‌خورند. اما من بهتر از این‌ها هستم و به این راحتی فریب نمی‌خورم.

در همین فکر بودم که شیطان ادامه داد: بیا این ردا را بگیر! لازم نیست چیزی در عوضش

بدهی. جایزه زرنگیت باشد.

نتوانستم هدیه‌اش را رد کنم. ردا را گرفتم و از مغازه بیرون آمدم. خوشحال از اینکه بی‌عوض چیزی نصیبم شده. مردم در نظرم نادان بودند. در همین حال و هوا بودم که حس کردم چیزی از من کم شده. خوب گشتم. عباداتم نبود. به خدا پناه بردم. یعنی قیمتی‌ترین قسمت وجودم را کجا گذاشته بودم؟ یاد حرف‌های شیطان افتادم: «تو مؤمن و زیرکی با دیگران فرق داری!» عباداتم را همان‌جا از من دزدیده بود.

حالا به جای ایمان، عجب دارم! اللهم لاتفسد عبادتی بالعجب<sup>۱</sup>

۱. خودپسندی

۲. برداشتی آزاد از آیه دوازدهم سوره حجرات

۳. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیه شیطان است. هر کس از ترس خدا آن را ترک گوید، خدا به او ایمانی می‌دهد که شیرینی‌اش را در دل احساس کند (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸)

۴. برداشتی آزاد از آیه شانزدهم سوره حشر

۵. دعای ۲۰ صحیفه سجاده

انتقادات، پیشنهادات و مطالب خود را برای ما ارسال کنید:

sangar.shohada@chmail.ir

۱۷۰ ۱۶۰ ۱۵۰ ۱۰۰۰

لطفاً قبل از متن پیامک نام محله و مسجد خود را بنویسید.

